



منع آموزش دختران؛

بازار مدارس دینے در پروان گرم تر شده است

شماری از خانواده‌ها به‌ویژه باشندگان محلی پروان اما بسته ماندن دروازه‌های مکاتب دخترانه، تفسیر سخت‌گیرانه طالبان از دین و ترغیب و تشویق دختران به آموزش‌های اسلامی از سوی امامان مساجد به دستور طالبان را از عوامل مهم رجوع دختران به مدارس دینی عنوان می‌کنند.

صفحه ۵

دین در اسارت مبلغان مذهبی کم‌سواد و شارلاتان

جامعه دینی همانند انواع دیگر جامعه‌ها احتمال دارد با آفات و بیماری‌های گوناگون مبتلا شود. یکی از این آفات این است که تصدی امور دینی به دست افراد کم‌سواد و فاقد ظرفیت بیفتد که توان انتقال پیام انسانی دین را به مردم نداشته باشند.



صفحه ۴

اوچا: چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ تأسف‌بار است

بحران گرسنگی در افغانستان؛



صفحه ۳

فراخوان عفو بین‌الملل برای پاسخ‌گو کردن طالبان در پیوند به ادامه نقض حقوق بشر در افغانستان

۸صبح، کابل: سازمان عفو بین‌الملل برای پاسخ‌گو کردن طالبان در پیوند به ادامه نقض حقوق بشر در افغانستان، درخواست ایستادن در کنار مردم این کشور را کرده است. شاخه آسیای جنوبی عفو بین‌الملل روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، گفته است که طالبان نه تنها تعهدشان برای رعایت حقوق بشر را عملی نکرده‌اند، بلکه چرخه خشونت را از سر گرفته‌اند. به گفته سازمان عفو بین‌الملل، طالبان در یک سال گذشته به‌گونه سیستماتیک نهادهای کلیدی برای حمایت از حقوق بشر را از بین برده و آزادی بیان و حقوق اساسی زنان را سلب کرده‌اند.

عفو بین‌الملل گفته است: «مردم افغانستان به مقاومت در برابر وضعیت فعلی ادامه می‌دهند، در کنار آنان بایستید و از حق آنان برای زنده‌گی در آزادی، کرامت و برابری حمایت کنید.» این سازمان مدافع حقوق بشر گفته است که طالبان باید به نقض فاحش حقوق بشر از جمله قتل‌های تلافی‌جویانه و حمله بر اقلیت‌های قومی، زنان، دگرباشان جنسی، مدافعان حقوق بشر، قضات، مقام‌های دولت پیشین و روزنامه‌نگاران پایان دهند. پس از قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های گسترده‌ای بر حقوق شهروندان، به‌ویژه زنان، وضع کرده‌اند. افزون بر این، طالبان بارها از سوی نهادهای معتبر بین‌المللی به نقض فاحش حقوق بشر متهم شده‌اند. طالبان اما همواره اتهامات نقض حقوق بشر در افغانستان را رد کرده‌اند.

نیکلاسون:

تهدید روزافزون «گروه‌های تروریستی» در افغانستان نگران‌کننده است



تروریستی» نگران‌اند. به دنبال این نگرانی و پس از تسلط طالبان، ایمن الظواهری، رهبر شبکه القاعده در یک حمله پهنای نیروهای امریکایی در منطقه شیرپور شهر کابل کشته شد.

۸صبح، کابل: نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان گفته است که وضعیت بشردوستانه، حقوق بشر و تهدید روزافزون «گروه‌های تروریستی» در افغانستان نگران‌کننده است. توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، با نشر توییتی این مطلب را نگاشته است. او افزوده که صلح و ثبات در افغانستان مستلزم گفت‌وگوی ملی معتبر و فراگیر به سوی نظم قانون اساسی با یک نظام سیاسی فراگیر است. قابل ذکر است که با حاکم شدن طالبان در افغانستان، کشورهای جهان همواره از تبدیل شدن این کشور به پایگاه امن برای «گروه‌های

والی طالبان در غور: رسانه‌ها مخالف پالیسی طالبان نشرات نکنند



دین دوست افزوده است: «خبرنگاران از پخش و نشر آن‌چه که ضد پالیسی امارت اسلامی است، خودداری نمایند.» گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، این گروه محدودیت گسترده‌ای را علیه کار رسانه‌ای وضع کرده است. طالبان در بسا موارد دست به بازداشت و شکنجه خبرنگاران نیز زده‌اند.

۸صبح، غور: ملا احمدشاه دین دوست، والی طالبان در ولایت غور، برای رسانه‌ها و خبرنگاران این ولایت گفته است تا کار آنان باید مطابق «شریعت اسلامی» باشد. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که دین دوست این سخنان را صبح روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، در نشست که از سوی کمیته مصونیت خبرنگاران تحت نام «همه‌نگی حکومت و رسانه» برگزار شده بود، بیان کرده است. او گفته است: «آزادی بیان و رسانه‌هایی که فعلاً کار اطلاع‌رسانی می‌کنند، باید کار آن‌ها به مطابق به شریعت اسلامی باشد.»

طالبان

کشتار نظامیان پیشین را سرعت بخشیده‌اند



روایت پس از آزادی؛ زندان تنها محبوس بودن نیست

زندان تنها محبوس بودن در پشت دیوارهای بلند نیست؛ زندان یعنی جبر، وقتی آدمی اختیاری از خودش ندارد، محبوس است.



طالبان عبدالحمید خراسانی را ولسوال احمدآباد پکتیا تعیین کردند

۸صبح، کابل: عبدالحمید خراسانی، آمر امنیت پیشین طالبان در ولایت پنجشیر به‌حیث ولسوال احمدآباد پکتیا گماشته شده است. خراسانی روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، خبر گماشته شدنش به‌حیث ولسوالی احمدآباد پکتیا را تأیید کرده است. گفته می‌شود که در ولسوالی احمدآباد پکتیا خانواده‌های زیادی از ولایت پنجشیر زنده‌گی می‌کنند. عبدالحمید خراسانی پس از به قدرت رسیدن طالبان به‌حیث آمر امنیت این گروه در ولایت پنجشیر گماشته شد؛ اما پس از مدتی در پی بروز اختلافات میان وی و والی طالبان در پنجشیر، از مقامش برکنار شد. خراسانی تا کنون بارها با پخش نوارهای دیداری در شبکه‌های اجتماعی از تعصبات قومی در رژیم طالبان شکایت کرده است.





سمع و طاعت در نظام‌های توتالیتر

در اندیشه سیاسی گروه‌های بنیادگرا، سمع و طاعت اهمیت خاصی دارد. سمع و طاعت که به معنای گوش دادن و فرمان بردن است، کلیدواژه‌ای است که در سازمان‌های بنیادگرا سرشت رابطه رهبر و پیروانش را تعریف می‌کند و هنگامی که این سازمان‌ها به حاکمیت دست می‌یابند، این رابطه را بر کلیت جامعه می‌گسترانند. براساس ذهنیت رایج در این سازمان‌ها، کسانی که در رده رهبری قرار می‌گیرند، به‌ویژه شخص رهبر، از نوعی فره ایزدی برخوردار می‌شوند و نباید مانند دیگر شهروندان و ساکنان یک سرزمین به آنان نگاه کرد. رهبر از این حیث که دارای قدرت یا دست‌کم اقتدار سازمانی است، تجلی‌گاه قدرت و شکوه الهی است. در تاریخ اسلام روایت‌های فراوانی در این باره ساخته شد و به پیامبر اسلام نسبت داده شد، از جمله این روایت مشهور: «السلطان ظل الله فی الارض» یعنی پادشاه سایه خدا در روی زمین است.

قدسی دانستن قدرت و پرستش صاحبان قدرت به هزاران سال پیش از اسلام بر می‌گردد. در نظام‌های استبدادی مختلف چه در ایران باستان، چه در مصر باستان و چه در دیگر نقاط دنیا، به شاهان و زورمندان حیثیت خدایی داده شده بود. حتا در شماری از ادیان این منطقه، تجربه سیاسی مردم از نظام‌های سیاسی بازتاب الهیاتی پیدا کرد و خدا در قالب پادشاه تعریف و توصیف شد و آن چه در عملکرد شاهان دیده می‌شد، به‌عنوان صفات الهی معرفی می‌گردید؛ مانند این که قابل محاسبه و پرسشگری نیست، بخشندگی‌اش حد و مرزی ندارد، کیفر و عذابش هر آن محتمل است و او به هیچ قانونی پای‌بند نیست؛ زیرا خودش تجسم قانون است. بسیاری از توصیفات کلامی درباره خدا مبتنی بر تجربه‌ای است که مردمان این منطقه در نسبت به شاهان و حاکمان‌شان داشته‌اند.

ادبیاتی که در سایه نظام‌های استبدادی پدید آمد، رفته‌رفته وارد بدنه فرهنگ عمومی شد و در ادوار بعدی، در دوره‌ای که عصر تدوین در تمدن اسلامی شناخته می‌شود، بخشی از این ادبیات به رنگ دینی درآمد و به عنوان احادیث منسوب به پیامبر اسلام به کتاب‌ها راه یافت. در بخشی از این ادبیات تأکید خاصی بر سمع و طاعت از رهبران صورت می‌گیرد و این که حتا در برابر ظلم آنان باید راه صبر و مدارا در پیش گرفت و جز در حالتی که حاکم رسماً کافر شود، نباید واکنش خاصی نشان داد، مگر در حد نصیحت ملایم و محتاطانه. البته گروه‌های رقیب نظام حاکم نیز ناچار بودند که از همان سلاح استفاده کنند و آنان نیز روایت‌هایی ساختند درباره فضیلت قیام در برابر حاکمان جور و ستم و قبول خطر در مبارزه با آنان تا سرحد جان باختن و به مقام سیدالشهدا رسیدن. این چرخه خشونت که از هر دو طرف پی گرفته می‌شد، ریشه در انسدادی داشت که نظام‌های استبدادی ایجاد می‌کرد و برای شکستن آن راهی جز کاربرد خشونت نمی‌ماند؛ هرچند در غیاب تیوری‌های راه‌گشا، استبداد دیگری از نو برپا می‌شد. تجربه تلخی که از هزاران سال در حافظه تاریخی منطقه ما انباشته شده است.

در تجربه نوین بشر در قالب دموکراسی، حاکمان قدسیت‌زدایی شده‌اند و مشروعیت‌شان را نه به عنوان نماینده خدا، بلکه به‌عنوان نماینده مردم به دست می‌آورند و سمع و طاعت جایش را به پیروی از قوانین و مقرراتی داده است که از سوی قوه مقننه به نماینده‌گی از مردم ساخته می‌شود. در نظام‌های دموکراتیک، حاکمان مجبورند در برابر مردم پاسخگو و در برابر قانون سمع و طاعت داشته باشند و این یکی از تفاوت‌های عمده میان دموکراسی و استبداد دینی است.

ربانی:

یوناما در انجام ماموریتش پس از تسلط طالبان «نقش منفعل» داشته است

رییس حزب جمعیت اسلامی گفته است که این کار بی‌طرفی و اعتبار سازمان ملل متحد را در میان مردم افغانستان صدمه می‌زند.

به باور وی، طالبان از این موضوع در راستای کسب مشروعیت بین‌المللی استفاده ابزاری و تبلیغاتی می‌کنند.

نام‌برده علاوه کرده که بعضی گزارش‌های غیرمعیاری و غیرواقعی یوناما در مورد افغانستان به شورای امنیت سازمان ملل، مستقیم یا غیرمستقیم به عادی‌سازی وضعیت ناگوار در کشور کمک کرده است.

آقای ربانی همچنان نگاشته است که ضعف مدیریت این نهاد، در مورد چگونگی توزیع و گردش مبلغ‌های هنگفت هفته‌وار که تحت نام کمک‌های بشری برای مردم افغانستان به کابل سرازیر می‌شود، اطمینان از دسترسی مستقیم مردم به کمک‌های مذکور را دشوار کرده است.

وی اضافه کرده که ادامه این وضعیت ممکن است یوناما را در انتظار مردم افغانستان به صفت نهادی معرفی کند که از طالبان عیب‌پوشی می‌کند و چنین حالتی می‌تواند به بی‌اعتباری جایگاه سازمان ملل در میان مردم افغانستان منجر شود.

آقای ربانی همچنان خواستار ارزیابی جدی ماهیت کارکردی یوناما در افغانستان شده و افزوده است که رویکرد عملی تازه‌ای جاگزین شیوه کاری کنونی این نهاد شود.

گفتنی است که سیاست‌های یوناما در افغانستان، به‌ویژه در زمینه تعامل با طالبان برای اکثر مردم افغانستان پرش برانگیز بوده است.

این برداشت انتقادی نسبت به عملکرد یوناما در میان حلقه‌های سیاسی افغانستان در خارج و داخل نیز وجود دارد.



۸ صبح، کابل: صلاح‌الدین ربانی، رییس حزب جمعیت اسلامی افغانستان، با ارسال نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد گفته است که ارزیابی دقیق کارکرد یوناما در مدت بیش از یک‌ونیم سال حاکمیت طالبان نشان می‌دهد که این نهاد در انجام ماموریت و مسوولیت‌هایش «ناکام» بوده و «نقش منفعل» داشته است.

ربانی روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، با نشر پیامی در برگه فیسبوکش از ارسال نامه‌ای به آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در مورد کارکردهای یوناما و احتمال تمدید مأموریت آن خبر داده است.

او افزوده است که به‌عنوان بخشی از ماموریت‌های یوناما، این نهاد باید با تمامی جهت‌های ذی‌نفع وارد تعامل و گفت‌وگو می‌شد، اما برخلاف، به‌گونه پرش‌برانگیز پیوسته با طالبان در تعامل بوده است.

طالبان در خوست یک نظامی پیشین را بازداشت کردند

می‌گویند که این نظامی پیشین اسدالله نام دارد و در آغاز هفته روان، شب‌هنگام از سوی نیروهای استخبارات طالبان در شهر خوست، از منزلش بیرون کشیده و به جای نامعلومی منتقل شده است.

منابع تأکید دارند که با وجود تلاش‌های مکرر، طالبان اجازه ندادند تا اعضای خانواده این نظامی پیشین او را در زندان ملاقات کنند.

اسدالله در حکومت پیشین به‌حیث آمر کشف لوای ارتش در خوست، وظیفه اجرا می‌کرد.

طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

این در حالی است که دو روز پیش نیز یک افسر امنیت ملی حکومت پیشین از سوی طالبان در این ولایت بازداشت شد.

تاکنون از سرنوشت او نیز اطلاعی در دست نیست.



۸ صبح، خوست: منابع محلی در ولایت خوست از بازداشت شدن یک نظامی ارتش حکومت پیشین در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع از این ولایت روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت،

زدان در غزنی یک مرد را کشتند



سارقان در چندین مورد، پول نقد و اشیای قیمتی مسافران این مسیر را به سرقت برده‌اند.

این در حالی است که در یک ماه اخیر، چندین عراده موتر نیز از شهر غزنی به سرقت برده شده است.

باشنده‌گان غزنی طالبان را در تأمین امنیت مردم به سهل‌انگاری متهم می‌کنند.

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی از کشته شدن یک مرد به دست سارقان در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع از این ولایت می‌گویند که این مرد صبح روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، در ساحه شیریز از مربوطات ولسوالی دهیک این ولایت، با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

به گفته منابع، سارقان یک عراده موترسایکل و پول نقد این مرد را برده‌اند.

این مرد باشنده اصلی ولسوالی زرم‌ت ولایت پکتیا بوده و به‌سوی شهر غزنی در حرکت بوده است.

منابع تأکید دارند که شاهراه نمبر ۲ غزنی - پکتیا در روزهای اخیر به شدت ناامن شده و شب‌هنگام

انفجار در بلخ؛

دو سازمان بین‌المللی خواستار برخورد طالبان با عاملان حمله بر خبرنگاران شدند



۸ صبح، کابل: سازمان گزارشگران بدون مرز و کمیته مصونیت خبرنگاران، خواستار شناسایی و مورد پیگرد قرار دادن عاملان حمله بر خبرنگاران در بلخ شدند.

سازمان گزارشگران بدون مرز روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، در اعلامیه‌ای حمله بر خبرنگاران را تکان‌دهنده عنوان کرده و خواستار شناسایی «بی‌تأخیر» عاملان این رویداد از سوی طالبان شده است.

کمیته مصونیت خبرنگاران نیز حمله بر خبرنگاران را نکوهش کرده و گفته است که از زمان تسلط طالبان به این سو آزادی مطبوعات در افغانستان با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو است.

این کمیته در اعلامیه‌ای این حمله را «یادآوری دردناک از وضعیت خصمانه‌ای» توصیف کرد که خبرنگاران در آن کار می‌کنند.

کمیته مصونیت خبرنگاران از طالبان خواست تا از خبرنگاران در افغانستان محافظت کنند و فضای مصون کاری را برای آنان فراهم سازد.

گفتنی است که روز شنبه، ۲۰ حوت، هنگامی که خبرنگاران در مراسمی در مرکز فرهنگی و اجتماعی تیبان در بلخ گرد آمده بودند، انفجار رخ داد. در این حمله دست‌کم ۳ تن کشته و ۳۳ تن دیگر زخمی شدند.

چهار روز پس از این انفجار برخی از نهادهای حامی خبرنگاران اعلام کرده‌اند که در این انفجار یک خبرنگار و یک کارآموز خبرگزاری صدای افغان کشته و ۱۸ خبرنگار دیگر زخمی شده‌اند.

داعش مسوولیت این حمله را برعهده گرفت.

یک بسته ۴۰ میلیون دلاری دیگر به کابل رسید



۸ صبح، کابل: بانک مرکزی زیر کنترل طالبان گفته که یک بسته ۴۰ میلیون دلاری از کمک‌های بشردوستانه به کابل رسیده است. حساب کاربری بانک مرکزی در توئیتر چاشت روز سه‌شنبه، ۲۳ حوت، در رشته توییت‌هایی گفته که این بسته کمک نقدی به یکی از بانک‌های خصوصی در کابل سپرده شده است. بانک مرکزی طالبان بار دیگر خواستار ارسال این بسته‌های کمک نقدی از طریق سیستم بانکی شده است.

این بسته‌های ۴۰ میلیون دلاری بخشی از کمک‌های بشردوستانه جامعه جهانی به مردم افغانستان است.

سازمان ملل متحد پیش از این گفته است که این کمک‌ها دور از دسترس طالبان به مصرف می‌رسد.

اوچا: چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ نأسف‌بار است

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل در افغانستان در گزارش تازه‌اش گفته است که نرخ سوء‌تغذیه در افغانستان بسیار بالا است. یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که ۸۷۵ هزار کودک در سال ۲۰۲۳ از سوء‌تغذیه شدید و ۲.۳ میلیون کودک و ۸۴۰ هزار زن از سوء‌تغذیه نیمه‌شدید رنج خواهند برد.



امین کاوه

افغانستان زیر سلطه طالبان با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران گرسنگی مواجه است. در جریان ۱۹ ماه گذشته، اکثریت سرمایه‌گذاران کشور را ترک کرده‌اند. کمک‌های جامعه جهانی

برای رشد برنامه‌های توسعه‌ای متوقف شده و هزاران کارمند دولت به شمول زنان از وظایفشان برکنار شده‌اند. بیشتر موسسه‌ها و شرکت‌های خصوصی با قطع کمک‌ها و وضع تعزیرات طالبان، از فعالیت باز مانده‌اند. خشک‌سالی، اعمال محدودیت‌های دست‌وپاگیر، انتقام‌جویی‌های طالبان و فرار گروهی شهروندان از کشور بر شدت بحران بشری افزوده است. در تازه‌ترین مورد، دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوچا) گفته است که ۸۰ درصد شهروندان افغانستان با معضل کاهش درآمد مالی مواجه شده‌اند. قرض‌داری‌های شهروندان ۱۱ درصد افزایش یافته، سه - چهارم حصه درآمد شهروندان کشور صرف غذا شده و مقدار بسیار ناچیز عواید سالانه آنان برای آموزش و مراقبت‌های بهداشتی مصرف شده است. تشدید فقر، نقض گسترده حقوق بشر و عدم دسترسی شهروندان به خدمات مورد نیاز، وضعیت را بیش از پیش وخیم ساخته است. برنامه جهانی غذا نیز گفته است که ۲۰ میلیون شهروند افغانستان با گرسنگی شدید و شش میلیون تن با قحطی مواجه شده‌اند. طبق گزارش این نهاد، دست‌کم چهار میلیون کودک زیر پنج سال در افغانستان دچار سوء‌تغذیه حاد شده‌اند.

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوچا) روز یکشنبه، ۲۱ حوت، با نشر گزارشی گفته است که اقتصاد رو به وخامت باعث کاهش شدید درآمد خانواده‌ها، افزایش بدهی و بیکاری بالا شده است؛ تا جایی که ۸۰ درصد از خانواده‌ها در افغانستان کاهش درآمد را تجربه کرده‌اند. این نهاد افزوده است: «بدهی‌های مردم افزایش یافته است - هم از نظر تعداد افرادی که بدهی می‌گیرند (۸۲ درصد از کل خانوارها) و هم از نظر میزان بدهی (حدود ۱۱ درصد بیشتر از سال قبل).»

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد هشدار داده است که افغانستان در حال حاضر با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه مواجه است. به گفته مسوولان این نهاد، در جریان سال ۲۰۲۳ میلادی افغانستان ۲۸.۳ میلیون تن که دو - سوم جمعیت این کشور را شکل می‌دهند، به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. براساس گزارش اوچا، سه - چهارم حصه درآمد مردم صرف غذا می‌شود و مقدار بسیار اندکی برای رفع سایر نیازهای آنان مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی هزینه می‌شود. این نهاد زیرمجموعه سازمان ملل متحد افزوده است که تشدید فقر، نقض حقوق بشر و عدم دسترسی شهروندان به خدمات ضروری وضعیت در این کشور را وخیم‌تر ساخته است.

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد همچنان گفته است که نیاز ۲۸.۳ میلیون تن

در افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نشان‌دهنده وضعیت وخیم بشری است. طبق گزارش این نهاد، از ۲۸.۳ میلیون شهروند کشور که به کمک‌های فوری نیاز دارند، شرکای سازمان ملل حدود ۲۳.۷ میلیون تن را برای دریافت این کمک‌ها در سال ۲۰۲۳ در اولویت قرار داده‌اند. گزارش اوچا افزوده که برای فراهم‌سازی این کمک‌های بشری به ۴.۶۲ میلیارد دلار امریکایی نیاز است.

در گزارش اوچا توضیح داده شده است: «تأمین مالی فوری و یک محیط عملیاتی مساعد، هر دو برای جلوگیری از تحقق بدترین ترس، حیاتی هستند؛ زیرا چشم‌انداز سال ۲۰۲۳ مهم است.» به گفته مسوولان این نهاد، مردم افغانستان زمستان دشواری را سپری کرده‌اند، به‌گونه‌ای که در جنوری ۲۰۲۳ در برخی از مناطق دمای شدید تا منفی ۳۵ درجه رسیده بود. از نظر مسوولان دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، سرمای شدید باعث تلف شدن هزاران رأس دام شده، شهروندان این کشور را در معرض گرسنگی قرار داده و بر مصیبت آنان افزوده است.

نرخ سوء‌تغذیه در گزارش اوچا

دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل در افغانستان در گزارش تازه‌اش گفته است که نرخ سوء‌تغذیه در افغانستان بسیار بالا است. یافته‌های این نهاد نشان می‌دهد که ۸۷۵ هزار کودک در سال ۲۰۲۳ از سوء‌تغذیه شدید و ۲.۳ میلیون کودک و ۸۴۰ هزار زن از سوء‌تغذیه نیمه‌شدید رنج خواهند برد.

در این گزارش از وضعیت ناگوار تغذیه هشدار داده شده و گفته شده که افغانستان وارد «سومین سال خشک‌سالی و دومین سال نزول اقتصادی فلج‌کننده» شده است و وضعیت تغذیه ممکن است تا ۲۰ درصد دیگر نیز بدتر شود.

منع کار زنان در موسسه‌ها

در گزارش تازه دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوچا) و برنامه جهانی غذا (WFP) آمده است که منع کار زنان در موسسه‌ها تأثیر مستقیم بر ارایه کمک‌ها به زنان به‌ویژه زنانی که سرپرست خانواده‌هایشان هستند، گذاشته است. به گفته مسوولان این دو سازمان، امدادگران مرد نمی‌توانند جای‌گزین زنان در ارایه کمک‌رسانی شوند. در گزارش تذکر رفته که خشونت‌های مبتنی بر جنسیت که زنان را هدف قرار می‌دهد، ناشی از این ممنوعیت‌ها است.

این در حالی است که پیش از این ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان، در نشست شورای حقوق بشر این سازمان گفته بود که طالبان «عمداً و با سیاست حساب‌شده» محدودیت بر زنان را در عرصه‌های اجتماعی اعمال کرده‌اند. همچنان رزا اوتونیاوا، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل، نیز در نشست شورای امنیت این سازمان منع کار زنان در موسسه‌ها را نگران‌کننده خوانده است.

در همین حال برنامه جهانی غذا (WFP) نیز روز دوشنبه، ۲۲ حوت، با نشر گزارشی گفته است که شمار

افراد نیازمند به کمک‌های فوری بشری در افغانستان به بیش از ۲۸ میلیون تن رسیده است. در این گزارش آمده است که دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر نیاز است تا به این افراد رسیدگی شود. براساس این گزارش «چهار میلیون تن از جمله ۳.۲ میلیون کودک زیر پنج سال با سوء‌تغذیه شدید مواجه‌اند و ۲۸.۳ میلیون تن که دو - سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند، نیازمند کمک‌های بشردوستانه چندبخشی هستند.»

براساس یافته‌های این نهاد سازمان ملل متحد، نزدیک به ۲۰ میلیون تن تا مارچ ۲۰۲۳ به‌شدت در ناامنی غذایی قرار داشته‌اند که بیش از شش میلیون تن آنان با قحطی شدید مواجه‌اند. این سازمان همچنان گفته است که چهار میلیون کودک در افغانستان دچار سوء‌تغذیه حاد هستند.

برنامه جهانی غذا پیش از این نیز گفته بود که افغانستان با بالاترین میزان مصرف ناکافی مواد غذایی در سطح جهان مواجه است که از هر دو خانوار، یک خانوار برای زنده ماندن در حالت مقابله با بحران است. طبق یافته‌های این سازمان، به‌طور متوسط ۸۸ درصد از درآمد خانوارها صرف غذا می‌شود؛ زیرا به گفته این سازمان ۹۲ درصد مردم افغانستان با مصرف ناکافی مواد غذایی روبه‌رویند.

براساس گزارش برنامه جهانی غذا، ۸۱ درصد از مردم افغانستان برای ادامه حیات با قرض گرفتن و کاهش وعده‌های غذایی امرار معاش کرده‌اند که افراد دارای معلولیت بیشترین صدمه را می‌بینند. این نهاد همچنان خاطرنشان ساخته است که مشکلات اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های مردم است که از هر ۱۰ خانوار، چهار خانوار (۴۴ درصد) نگران از دست دادن شغل‌شان هستند.

دیدگاه بازرگانان در مورد کاهش عواید

سازمان ملل متحد در حالی از کاهش ۸۰ درصدی عواید شهروندان افغانستان خبر می‌دهد که پیش از این کسبه‌کاران بارها از بحران اقتصادی و کاهش بی‌پیشینه درآمدهای خود ابراز نگرانی کرده‌اند. میزان خرید و فروش در بازارهای کشور به‌شدت پایین آمده است، به‌گونه‌ای که مردم حتا در خرید دارو که از نیازهای اولیه است، دچار مشکل شده‌اند و از مراجعه نزد داکتر خودداری می‌کنند.

یکی از داروفروشان به شرط فاش نشدن نامش به روزنامه ۸صبح می‌گوید که وضعیت مردم به میزانی خراب است که در بدترین حالت نیز نمی‌توانند نزد داکتر مراجعه کنند و دوا بگیرند. این داروفروش می‌افزاید: «فروشات مزه ندارد، وضعیت بسیار خراب است. مردم در غم شکم مانده‌اند. درآمد پایین آمده، اقتصاد مردم بیش از حد ضعیف شده، مردم توانایی خرید و مراجعه نزد داکتر را در حالت مریضی ندارند. صرف تلاش می‌کنند شکم اولادشان پر شود. در گذشته وضعیت مردم خوب بود. اگر مدیر بود، معلم بود، مامور بود، کارمند موسسه بود، اکثریت مردم وابسته به معاش بودند و پول نیز به چرخش می‌آمد.» این داروفروش علاوه می‌کند: «حالا کسی پول ندارد که در حالت مریضی هم پیش داکتر برود. وقتی پول نباشد، کوشش می‌کنند ضرورت اشد خود را هم با پراستامول به‌گونه‌ای رفع کنند. وضعیت مرگ‌ومیر افزایش یافته، آمار مرگ‌های ناشی از امراض زیاد شده، هم تأثیر فقر و ناداری است و مردم تا دم مرگ توانایی مراجعه به داکتر و گرفتن دوا را ندارند.»

یکی از زنان تجارت‌پیشه که به دلیل درآمد پایین مجبور شده کارش را متوقف سازد، می‌گوید که مشکلات امنیتی و از دست دادن کارمندان با مهارت به علت عدم توانایی پرداخت معاش مناسب، سبب شده که او شرکتش را بسته کند.

فاطمه اعتمادی، معاون شرکت «بیست فود» در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «شرکت ناشتاپزی داشتیم. ۷۲ دو رقم نان فانتزی آماده می‌کردیم. شرکت از منفعتش کرده ضررش زیادت‌ر بود. عایدش مصارف را پوره کرده نمی‌توانست. معاش کارمندان می‌ماند،

مشکلات بسیار جدی بود. مجبور شدیم شرکت را بسته کنیم.» خانم اعتمادی می‌افزاید: «درآمد خوبی نبود. مشکلات امنیتی وجود داشت، کارمندان زن تعداد زیادشان کار را ترک کردند. کارمندان بامهارت را از دست دادیم. با معاش کم کارمندی که وجود داشتند، محصولات را از قبل آماده می‌کردیم. نتوانستیم، هم معاش‌شان پایین بود و هم مشکلات امنیتی بود. دو هفته می‌شود که شرکت را بسته کرده‌ایم.»

دیدگاه آگاهان مسایل اقتصادی درباره کاهش درآمدها

آذرخش حافظی، آگاه امور اقتصادی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «وضعیت اقتصادی افغانستان از حالت بحرانی به طرف فاجعه حرکت می‌کند. معیشت مردم بی‌نهایت خراب است. اقتصاد مصنوعی که متکی بر کمک‌های خارجی و حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش در افغانستان بود، با برگشت نیروهای مسلح آن‌ها به کشورشان و خدماتی که از ما می‌خریدند به پایان رسید.»

این آگاه امور اقتصادی می‌افزاید: «ما با اقتصادی روبه‌رو شده‌ایم که متکی بر اقتصاد تولید ناخالص داخلی و واقعیت‌های تلخ است که ما یک کشور عقب‌مانده هستیم.»

آقای حافظی بدون این‌که از نهاد مشخصی نام ببرد، خاطرنشان می‌سازد که احصاییه‌ها و ارقام ارایه‌شده در مورد وضعیت فقر و گرسنگی در کشور دقیق نیست. ظاهراً اشاره او به گزارش اخیر دفترهای هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری و برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد است. او در این باره می‌گوید: «باید به صراحت بگویم که این احصاییه‌ها دقیق نیست. مرجع فراگیری که بتواند این احصاییه را تهیه کند، در کشور ما وجود ندارد. بانک معلومات که متکی بر آن این احصاییه‌ها ترتیب شود، در افغانستان وجود ندارد.»

این آگاه امور اقتصادی تصریح می‌کند: «از طریق کمک‌ها، یارانه‌ها و گدایی هیچ کشوری به سعادت نرسیده است. مردم افغانستان با گرفتن این کمک‌ها نمی‌توانند زنده‌گی و معیشت خود را تنظیم کنند. بناءً برای افغانستان ضرورت است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب کند و سرمایه‌گذاران داخلی که فرار کرده‌اند را به کشور برگرداند. ما در ۵۱ کشور دنیا مجتمع‌های صنعتی و تجاری مربوط به شهروندان افغانستان داریم، اگر فضا در کشور درست باشد، محیط اجتماعی مصون وجود داشته باشد، مصونیت مال و جان مردم وجود داشته باشد، بسیاری از متشبهان که در خارج سرمایه‌گذاری کرده‌اند، می‌توانند بخشی از سرمایه‌هایشان را به افغانستان بیاورند تا در این‌جا رونق اقتصادی به وجود آید.»

حافظی معتقد است که افغانستان اقتصاد متعارف متکی بر خود را ندارد و بستر سیاسی مشروع برای انجام فعالیت‌های اقتصادی نیز نیست. به گفته او، در کشور زمینه‌ها و امکانات سرمایه‌گذاری زمانی میسر می‌شود که بستر سیاسی مشروع فراهم باشد. این آگاه امور اقتصادی خاطرنشان می‌سازد: «ما در قدم اول نیازمند یک بستر سیاسی مشروع، توانا و مقتدر هستیم. آن بستر، دولت است. دولتی که دنیا آن را به رسمیت بشناسد؛ دولتی که ممد رشد باشد و بتواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی در وطن شود و مردم بتوانند اعتماد کنند و بیایند سرمایه‌گذاری کنند. بدون یک بستر سیاسی مناسب، رشد اقتصادی امکان ندارد.»

با این حال، آقای حافظی تأکید می‌ورزد: «در شرایط نابه‌سامان فعلی قطع کمک‌ها فاجعه انسانی را در افغانستان تشدید می‌کند. این کمک‌ها حداقل کمکی است که به مردم بیچاره و مظلوم می‌رسد. پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری زمان می‌برد و یک برنامه درازمدت است.»

نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های زیرمجموعه سازمان ملل متحد، بارها از وضعیت بشری در افغانستان ابراز نگرانی کرده و خواستار حمایت‌های اقتصادی و مالی جهان شده‌اند. هرچند طالبان از دادخواهی نهادهای بین‌المللی برای کمک به افغانستان استقبال کرده‌اند، اما تاکنون درباره گزارش اوچا و برنامه جهانی غذا ابراز نظر نکرده‌اند.

دین در اسارت مبلغان مذهبی کم‌سواد و شارلاتان

جامعه دینی همانند انواع دیگر جامعه‌ها احتمال دارد با آفات و بیماری‌های گوناگون مبتلا شود. یکی از این آفات این است که تصدی امور دینی به دست افراد کم‌سواد و فاقد ظرفیت بیفتد که توان انتقال پیام انسانی دین را به مردم نداشته باشند. دین‌داری‌ای که از طریق افراد ناآگاه و کم‌سواد در جامعه گسترش می‌یابد، طبعاً رنگ و لعاب همان افراد را با خود خواهد داشت و با انحطاط و ابتذال همراه خواهد بود و بدین‌سان علاوه بر این‌که ضررهایی را بر جامعه تحمیل می‌کند، چهره دین را نیز خدشه‌دار و تاریک جلوه‌گر می‌سازد و زمینه را برای قضاوت منفی مردم نسبت به آموزه‌های دین مساعد می‌کند.



فواد میرزایی

عوام‌زده شدن تبلیغات دینی شده است. عوام‌زده شدن گفتمان دینی یکی از آفاتی است که به این گفتمان صدمه وارد می‌کند و زمینه را برای تحریف دین و شیوع خرافات و اوهام به نام دین فراهم می‌آورد و عقب‌ماندگی جوامع را ژرفای بیشتری می‌بخشد.

درست است که جامعه ما در حال حاضر در حوضی انحطاط دست‌وپا می‌زند و با انواع مصیبت‌ها و دردهای مزمن گرفتار است، ولی نباید این واقعیت تلخ و گزنده ما را از جست‌وجوی راه‌های مختلف برای رهایی از این وضعیت غافل سازد. یکی از کارهایی که ما را برای رهایی از این وضع کمک می‌کند، نقد و آسیب‌شناسی گفتمان دینی در افغانستان است. گزیری از اعتراف به این واقعیت نیست که تسلط طالبان بر افغانستان، در کنار عوامل متعدد دیگر، مدیون پرطرفدار بودن قرائت طالبان از اسلام در این کشور نیز است. طالبان برای بار دوم با طرح شعارها و ادعاهای دینی، بخشی از عوام را توانستند فریب دهند و خلع سلاح کنند. البته این اولین بار در تاریخ کشور ما نیست که جریان‌های بهره‌گیری از نام دین، عقب‌گرایی و دشمنی با مدنیت را سرلوحه کار خود قرا می‌دهد. پیش از این هم جریان‌های مرتجع با استفاده از نام دین، بارها توانسته‌اند روندهای پیش‌رو را ضربه بزنند یا حتی دچار فروپاشی کنند. معلوم نیست چه زمانی مردم افغانستان به حافظه تاریخی خود مراجعه می‌کنند و از بارها گزیده شدن از یک سوراخ می‌پرهیزند.

مبارزه با جریان عقب‌گرا و ارتجاعی بدون نقد جدی و محکم گفتمان دینی رایج در افغانستان که تا کنون به قدر کافی مصایب به بار آورده، ممکن نیست. ملاها و مبلغان دینی کم‌سواد در تقویت گفتمان دینی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. باید از راه‌های گوناگون بکوشیم مشت این افراد را باز و کم‌سوادی و ناآگاهی‌شان را نسبت به دین و اوضاع جهان برملا کنیم. باید دین که یکی از مؤلفه‌های مهم در جامعه ما است، از اختیار عده‌ای شارلاتان قدرت‌طلب و حریص بیرون ساخته و از آن در راه رشد و گسترش معنویت و اخلاق کار گرفته شود.

دینی را داشته باشید تا راه صدساله را یک‌شبه بهمی‌یابید و اگر قدری زرنگی به خرج دهید، به‌آسانی به شهرت نیک و ثروت قابل توجه می‌رسید. کسانی در جامعه ما تبلیغ دین می‌کنند و نیز به سوالات دینی مردم پاسخ می‌دهند که دو سه سالی در یکی از نهادهای آموزشی زبان عربی یاد گرفته‌اند و همین سبب شده که حالا یکی از شاخص‌ترین واعظان و مبلغان دینی شهر شوند و در میان متدینان از احترام ویژه برخوردار باشند. حتا در حال حاضر که فعالیت‌های یوتیوبرها در کشور رواج پیدا کرده، مجری‌های برنامه‌های کم‌مخاطب تلویزیونی نیز وارد ماجرا شده‌اند و با تولید محتوای کم‌مایه با رویکرد دینی کسب درآمد می‌کنند. از آن بدتر این است که یکی از مدعیان فیلسوف بودن و یک مدعی روان‌شناس بودن که تخصص‌هایشان هیچ ربطی به مسایل دینی ندارد، نیز نمی‌خواهند از قافله عقب بمانند و پرهیجان‌تر از دیگران، به تبلیغ دین می‌پردازند یا حتا می‌کوشند درباره دین نظر محققانه دهند. با مشاهده این قبیل رویدادها، می‌توان گفت آسان‌ترین راه برای رسیدن به شهرت و ثروت در جامعه افغانستان، تظاهر به دین‌داری و اغفال عوام زیر نام و شعار دین است.

بی‌نظمی فراگیر و آشفتگی مزمن در افغانستان، همه ساحات زنده‌گی را تحت تأثیر قرار داده و از جمله به تبلیغات دینی آسیب‌های جدی وارد کرده است. شما اگر به محتوایی که از سوی ملاها یا سایر مبلغان دینی در انترنت یا در بیرون از آن عرضه می‌شود توجه کنید، درمی‌یابید که این محتواها از کیفیت نازل برخوردار است و اصلاً ارزش توجه و ضیاع وقت را ندارد؛ ولی چون سطح فهم و سواد در کشور پایین است و نیز محتوایی که این مبلغان عرضه می‌کنند ساده و عام‌فهم است، می‌بینیم این محتواها برای برخی افراد جذابیت دارد.

از آن‌جایی که مبلغان دینی کم‌سواد، بیش از هر چیز دیگری به توده مردم تکیه دارند و جایگاه خود را مدیون حمایت آن‌ها می‌دانند، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند تا نظر عوام را جلب کنند و رضایت و خرسندی آنان را فراهم سازند. این امر موجب

قرار داد، اما نام یوسف ادریس در پهلوی نام‌های ادبی بزرگی مثل طاهای حسین و نجیب محفوظ و توفیق الحکیم جای می‌گیرد.

موضوع حایز اهمیت در این ماجرا این است که مصطفی محمود برای رسیدن به آرزوهای بلندپروازانه‌اش کوتاه‌ترین راه را، رفتن به سراغ موضوعات دینی دانست و با استفاده از مخاطبانی که محتواهای دینی را می‌پسندند، برای خود جایگاهی متعالی و بی‌رقیب احراز کرد. قصد ما مقایسه مصطفی محمود، که فردی باسواد و نویسنده دینی پرمخاطب بود، با ملاها یا مبلغان دینی کم‌سواد در جامعه ما نیست، اما بگذارید این سوال را مطرح کنیم که چرا وضعیت در جامعه‌های اسلامی به‌گونه‌ای رقم خورده که مردم تصور می‌کنند سخن زدن در حوزه مسایل دینی یکی از آسان‌ترین کارها است و نیازی به تخصص و تعمق زیاد ندارد و رسیدن به اهداف و آرزوهای شخصی را آسان می‌کند؟

جامعه دینی همانند انواع دیگر جامعه‌ها احتمال دارد با آفات و بیماری‌های گوناگون مبتلا شود. یکی از این آفات این است که تصدی امور دینی به دست افراد کم‌سواد و فاقد ظرفیت بیفتد که توان انتقال پیام انسانی دین را به مردم نداشته باشند. دین‌داری‌ای که از طریق افراد ناآگاه و کم‌سواد در جامعه گسترش می‌یابد، طبعاً رنگ و لعاب همان افراد را با خود خواهد داشت و با انحطاط و ابتذال همراه خواهد بود و بدین‌سان علاوه بر این‌که ضررهایی را بر جامعه تحمیل می‌کند، چهره دین را نیز خدشه‌دار و تاریک جلوه‌گر می‌سازد و زمینه را برای قضاوت منفی مردم نسبت به آموزه‌های دین مساعد می‌کند. جامعه افغانستان را می‌توان از همین جنس جوامع به حساب آورد.

به فهرست اشخاصی که از طریق منبرهای مساجد یا به وسیله میدیوم‌های دیگر به ارشاد خلاق مشغول‌اند و شب و روز سرگرم شرح و بسط پیام‌های دین برای مردم‌اند، نگاه کنید. بسیاری از آن‌ها وقتی دریافته‌اند استعداد هیچ کار دیگری را ندارند، به وعظ و تبلیغ و تبیین دین روی آورده‌اند. کافی است در جامعه ما توانایی حفظ چند آیت و حدیث و عبارت

چندی قبل حرف تأمل‌برانگیزی از قلم یک روزنامه‌نویس مصری خواندم. نوشته بود که از اوایل دهه ۵۰ میلادی به بعد، دو چهره هم‌زمان در فضای ادبی و مطبوعاتی مصر ظهور کردند؛ یکی مصطفی محمود و دیگری یوسف ادریس. اتفاقاً هر دو در اصل پزشک بودند و حالا می‌خواستند داستان کوتاه و نمایش‌نامه بنویسند و تلاش می‌ورزیدند آثارشان به جمع کثیری از مردم برسد و خوانده شود و برای‌شان شهرتی چشم‌گیر بیآورد. آن دو قصد داشتند تجربیات یک پزشک را با خلاقیت ادبی توأم کنند و برای خود جایگاهی ممتاز در ادبیات عرب به دست آورند. اما به مرور زمان، راه این دو ادیب از هم جدا شد. یوسف ادریس توانست آثار متعدد ادبی بنویسد که مورد توجه و ستایش منتقدان قرار گیرد و همچنین خواننده‌گان پرشماری پیدا کند و این‌سان جایگاه خود را به‌عنوان نویسنده‌ای شاخص و طرازاول در مصر و جهان عرب تثبیت کند. سرنوشت با مصطفی محمود به شیوه‌ای دیگر بازی کرد. کارهای ادبی وی توجه و تقدیر کارشناسان و منتقدان ادبی را جلب نکرد. گویا نوشته‌های وی به آن اندازه از قوت و اصالت برخوردار نبود که وی را در عداد نویسندگان ادبی بلندمرتبه قرار دهد و خواننده‌گان فراوان را به سوی او سوق دهد. با آن‌که مصطفی محمود قادر نشد در عرصه ادبی کارنامه درخشانی عرضه کند، اما هیچ‌وقت از پاننشست و کوشید راه دیگری را برای دستیابی به شهرت و جایگاه اجتماعی پیدا کند. نام مصطفی محمد هنوز هم که چند دهه از فعالیت‌هایش گذشته، نامی شناخته‌شده است، اما نه به علت این‌که کارهای ادبی درخور توجهی از خود به جا گذاشته، بلکه به این جهت که کتاب‌ها و سخنرانی‌هایی در خصوص رابطه علم و دین و پدیده‌هایی همچون الحاد و اعجاز علمی قرآن عرضه کرده است. ظاهراً محمود وقتی احساس کرد که بهره‌چندانی از ادبیت ندارد و نمی‌تواند در این حوزه چیز دندان‌گیری به خورد مخاطبان دهد، به دین روی آورد و با توجه به آگاهی‌ها و تجربیات پزشکی‌اش درباره مسایل دینی نظریه‌پردازی کرد. اکنون می‌توان مصطفی محمود را در کنار نام‌هایی چون شعراوی و حوینی و ابن باز

بازار مدارس دینی در پروان گرم تر شده است



۸ صبح، پروان

شماری از خانواده‌ها به‌ویژه باشنده‌گان محلی پروان اما بسته ماندن دروازه‌های مکاتب دخترانه، تفسیر سخت‌گیرانه طالبان از دین و ترغیب و تشویق دختران به آموزش‌های اسلامی از سوی امامان مساجد به دستور طالبان را از عوامل مهم رجوع دختران به مدارس دینی عنوان می‌کنند.

کنند.

نصرت خان، یکی دیگر از ساکنان ولایت پروان، می‌گوید: «از زمانی که طالبان حاکم شده‌اند، حتا بیشتر امامان مساجد برای مردم فراخوان شامل ساختن فرزندان‌شان به مدارس دینی را می‌دهند. دید این گروه نسبت به مکاتب طوری است که فکر می‌کنند هر فردی که در مکاتب درس خوانده، از شریعت اسلامی خارج شده است.»

در همین حال، شاگرد یکی از مدرسه‌های خصوصی که پیش از تسلط طالبان بر کشور دانش‌آموز صنف دهم مکتب بود، می‌گوید که با تداوم حاکمیت گروه طالبان امیدی به رفتن دوباره به مکتب برایش باقی نمانده و به همین دلیل به مدرسه دینی مراجعه کرده است. آینه که حدود ۱۶ سال سن دارد، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم که طالبان دیگر اجازه مکتب رفتن دختران بالاتر از صنف ششم را بدهند؛ چون در حالی که چند روز به آغاز بهار مانده، اما طالبان در مورد مکتب‌ها چیزی نگفته‌اند.»

از سویی هم، بازار مدارس دینی خصوصی در پروان در حالی گرم شده که بر بنیاد یافته‌های روزنامه ۸ صبح، بیشتر این مدارس از گذشته‌ها تاکنون ثبت وزارت معارف نیستند. یک منبع در ریاست معارف ولایت پروان که از ذکر نامش در این گزارش خوداری می‌شود، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «در حال حاضر ده‌ها مدرسه دینی بدون ثبت و راجستر در پروان فعالیت دارند. هر کسی دلش خواست، در خانه‌اش یک مدرسه دینی ایجاد می‌کند. برخی مدارس پسرانه بدون راجستر در حکومت قبلی در پروان فعالیت داشتند که زور ریاست معارف هم به آن‌ها نمی‌رسید تا فعالیت‌شان را متوقف کند، در حالی که می‌دانست آن مدارس افراط‌گرایی را ترویج می‌کنند. امروز بیشتر طالبان بومی پروان حاصل همان مدارس دینی هستند.»

گفتنی است که طالبان با تسلط دوباره بر کشور، همانند دوره نخست حاکمیت خود، دروازه‌های مکاتب متوسطه و لیسه را به روی دختران بسته‌اند. با وجود تعهدات مکرر مقام‌های این گروه برای بازگشایی مکاتب، یک‌ونیم سال است که دختران از فراگیری آموزش محروم نگه داشته شده‌اند. طالبان در جریان حکمرانی دوره قبلی بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی نیز به دختران اجازه نمی‌دادند که بالاتر از صنف ششم درس بخوانند.

هرچند انتظار می‌رفت که این تصمیم طالبان کوتاه‌مدت باشد؛ زیرا حدود یک‌ونیم سال پیش وزارت معارف طالبان در مورد «ایجاد فضای امن برای آموزش دختران طبق شریعت اسلامی» سخن گفته بود، اما در اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی فرمان تعلیق تحصیل دختران، نامیدی دختران افغانستان را بیشتر ساخت. بسته ماندن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران، واکنش‌های ملی و بین‌المللی را همواره در قبال داشته است، اما هیچ‌یک از این واکنش‌ها تاکنون نتیجه مثبت در پی نداشته است.

دانش‌آموزان دختر در حالی از خاموشی طالبان مبنی بر بازگشایی مکاتب متوسطه و لیسه دخترانه ابراز نگرانی می‌کنند که روز دوشنبه، ۱۵ حوت، دروس حضوری دانشگاه‌ها در ولایت‌های سردسیر بدون حضور دانشجویان دختر آغاز شده است. انتظار می‌رفت با پایان تعطیلات زمستانی، دروازه دانشگاه‌ها به روی دختران نیز باز شود، اما طالبان در این مورد معلومات نداده‌اند. در اعلامیه وزارت تحصیلات عالی زیر اداره طالبان تنها از آغاز درس‌های دانشگاهی به روی «طبقه ذکور» تذکر رفته است.

سرما و کاهش قدرت خرید؛

گل‌خانه‌داران هرات خسارت دیده‌اند

۸ صبح، هرات

برای فروش داریم، اما مشکل اساسی این است که ما تا هنوز اتحادیه نداریم و گاهی که مشکلات پیش می‌شود، بسیار به‌سختی حل می‌کنیم.»

سلیم، یکی دیگر از گل‌خانه‌داران در شهر هرات، می‌گوید که سرمای زمستان همه گل‌خانه‌داران این ولایت را متضرر ساخته است. او می‌افزاید که کم‌رنگ شدن بازار فروش گل در هرات نیز او را ناامید ساخته است. سلیم از چهار سال به این سو مشغول این پیشه است. او در فصل فروش گل‌ها علاوه می‌کند: «با فروش گل‌های باقی‌مانده می‌توانستیم حداقل خسارات وارده را کاهش بدهیم، اما با وجودی که فصل برداشت گل است، اما مردم علاقه‌ای برای خرید گل از خود نشان نمی‌دهند.»

گل‌فروشان خاطرنشان می‌سازند که مشکلات اقتصادی و نبود آرامش فکری از علت‌هایی کاهش خرید گل است. آنان توضیح می‌دهند که پرورش گل و نهال‌شانی نیاز اول انسان‌ها نیست، بلکه در شرایط موجود تأمین مخارج خانواده برای شهروندان اهمیت بیشتری دارد.

هرات در غرب کشور یکی از ولایت‌هایی است که سرمای کم‌پیشینه‌ای را پشت سر گذاشته است. شهر هرات در بیست سال گذشته چنین سرمای شدیدی را تجربه نکرده بود. شدت سرما و یخبندان در کنار تلفات جانی، زبان‌هنگفت مالی نیز به باشنده‌گان این ولایت وارد کرده است. گل‌خانه‌داران هرات یکی از اصنافی است که ادعا دارند به علت سرمای کم‌سابقه بیشتر از دیگران متضرر شده‌اند. مالکان گل‌خانه‌ها می‌گویند که شدت سرما در سه ماه گذشته بیشتر گل‌های آنان را از بین برده است. هرچند توقع داشتند این زیان مالی را در فصل فروش گل‌ها جبران کنند، اما خاطرنشان می‌سازند که کم‌علاقگی شهروندان به خرید گل آنان را ناامید ساخته است. بیشتر گل‌خانه‌داران هم‌زمان با فرارسیدن فصل بهار، از کم‌رنگ شدن بازار فروش گل شکایت دارند. به گفته آنان، سرمای بیش از حد و کاهش قدرت خرید شهروندان، رونق بازار آنان را زدوده‌اند.



نبود اتحادیه گل‌خانه‌داران و بی‌توجهی دولت و نهادهای دیگر، از شکایت‌های این گل‌خانه‌دار است.

عبدالحی که از دو سال به این سو مصروف گل‌خانه‌داری است، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیشتر گل‌های کم‌یاب او به علت سردی هوا و یخبندان از بین رفته است. این باشنده هرات که مالک پنج گل‌خانه بزرگ و متوسط است، می‌افزاید: «هر نوع گل در گل‌خانه وجود داشت. ما توانستیم اکثریت گل‌ها را در گل‌خانه پرورش بدهیم، اما خنکی امسال تمام آن را از بین برد. از هر گل‌خانه نزدیک به ۶۰ تا ۶۵ درصد گل‌ها از بین رفته است.»

عبدالحی که برای مدتی در ایران زنده‌گی کرده، علاوه می‌کند که در سال ۱۳۹۹ خورشیدی تنها یک گل‌خانه ایجاد کرده بود، اما به مرور زمان گل‌هایش را انکشاف داده و اکنون مالک پنج گل‌خانه در ولایت هرات می‌باشد. در گل‌خانه‌های او انواع مختلف گل‌ها پرورش یافته و با نرخ‌های متفاوت بین ۵۰۰ تا یک هزار ۳۰۰ افغانی به فروش گذاشته شده است. نبود اتحادیه گل‌خانه‌داران و بی‌توجهی دولت و نهادهای دیگر، از شکایت‌های این گل‌خانه‌دار است. او علاوه می‌کند: «گل‌های زیادی در گل‌خانه است؛ یعنی ما از ۵۰۰ تا یک هزار و ۳۰۰ افغانی گل

فروش گل‌ها شکایت دارند که فقر روزافزون گلوی شهروندان را هر روز بیشتر از دپروز می‌فشارد. ارزیابی نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که حدود سه - چهارم نفوس افغانستان در سال روان میلادی برای امرار معاش به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. خروج سرمایه‌داران و از بین رفتن هزاران شغل با سقوط نظام جمهوری، عامل دیگر افزایش فقر است.

از سوی دیگر، افغانستان در سال روان خورشیدی زمستان دشواری را پشت سر گذاشته است. سردی بیش از حد دما، خانواده‌های بی‌بضاعت را بیشتر زمین‌گیر کرده است. شهر هرات در زمستان امسال در مقایسه با سایر ولایت‌ها، گواه بیشترین تلفات انسانی به دلیل سرما بوده است. براساس آمارهای گردآوری شده، دست‌کم ۱۰۰ تن در هرات در جریان سه ماه گذشته به دلیل سردی بیش از حد هوا جان باخته‌اند. بیشتر این جان‌باخته‌گان را افراد معتاد به مواد مخدر شکل می‌دهند که بدون سرپناه در فضای باز روز و شب خود را سپری می‌کردند.

طالبان کشتار نظامیان پیشین را سرعت بخشیده‌اند



صمد پاینده

سوابق و امکاناتش راهی را برگزید. کسانی به قریه‌ها رفته و در پوشش حمایت‌های محلی و خانواده‌گی پناه گرفتند، کسانی دل به‌درا پناه زده منتظر اتفاقات نشستند و عده‌ای فوراً اقدام به ترک وطن کردند. طبق گزارشی که ماه گذشته در ۸ صبح نشر شد، ایران مقصد اصلی این نظامیان بوده است و براساس آمار غیررسمی بیش از ۱۰۰ هزار تن از آنان به کشور همسایه غربی ما پناه برده‌اند؛ اما همه امکانات ترک کشور را نداشتند و یا پیش از آن که اقدام کنند، قربانی شدند. تعدادی نیز بعد از مدتی به دلیل نداشتن اسناد، بیکاری یا برای رسیده‌گی مسایل خانواده‌گی دوباره به افغانستان بر می‌گردند. بسیار وقت گرفت تا رسانه‌ها و سیاستمداران متوجه فاجعه‌ای شوند که نظامیان پیشین گرفتار شده بودند. در ماه جولای ۲۰۲۲، روزنامه نیویارک‌تایمز گزارش تحقیقی‌ای نشر کرد که نشان می‌داد در شش ماه نخست حاکمیت طالبان، کشتار کارمندان و نیروهای امنیتی پیشین به‌صورت فاجعه‌بار انجام یافته بود. آن روزنامه نقشه پراکنده‌گی کشتار را در سراسر کشور نیز تهیه کرده و نشان داده بود که حذف کارمندان و نظامیان سابق در گوشه‌های مختلف کشور و نظام‌مند اجرا شده بود. روشن است که ارقام نشرشده در نیویارک‌تایمز کامل نبود و در شرایط اختناق حاکمیت طالبانی، خیلی از افراد ثبت نشده و در گمنامی قربانی شده بودند.

آن گزارش مدتی در رسانه‌ها دست‌به‌دست شد، ولی در رفتار طالبان و مصونیت سربازان اثری به‌جا نگذاشت. چرا که سربازان همان‌طوری که در ۲۰ سال جنگ با طالبان، مرگ و رنج‌شان حساسیت زیاد بر نمی‌انگیخت، بعد از سقوط نیز در حاشیه ماندند. سربازان تا زمانی که به دستگاه دولتی وصل باشند، صاحب هویت جمعی‌اند و می‌توانند چون یک گروه اجتماعی عمل کنند، ولی زمانی که دولت فرو می‌یابد و زنجیره نظام از بین می‌رود، آنان به آسیب‌پذیرترین افراد بدل می‌شوند و با همدیگر روابط و مشترکات چندان ندارند تا چتر حمایتی ایجاد کنند و برای منافع مشترک، کنار هم ایستاده، لابی کنند و دشمنان مشترکشان را به چالش بکشند. فرماندهان و رهبران نظامی نیز با سربازان رابطه سازمانی و پایدار ندارند تا در نبود دولت بتوانند چتر حمایتی ایجاد کنند. سربازان در واقع قربانیان نشان‌دار، تنها و بی‌دفاعی شدند که هر فرمانده محلی و هر زورمند تفنگ‌به‌دست طالب می‌توانست با بهانه یا بی‌بهانه آنان را زندانی، شکنجه و سر به‌نیست کند.

شکنجه و کشتار سربازان بی‌وقفه جریان داشته است و هر روز خبرهایی از دستگیری یا قتل آنان به نشر می‌رسد. به‌طور نمونه در ۲۷ میزان امسال، گزارشی در ۸ صبح نشر شد که نشان می‌داد در جریان دو ماه (از ۲۴ میزان تا ۲۴ اسد ۱۴۰۱) در روزشمار وقایع این روزنامه، قتل ۲۰ فرد نظامی حکومت پیشین ثبت شده بود. با توجه به این که طالبان حق اطلاع‌رسانی را از مردم گرفته و در نتیجه دسترسی به خبرهای حوادث بسیار کاهش یافته است، لذا گزارش‌هایی از این دست کامل نمی‌باشد و صرفاً گوشه‌ای از فاجعه را انعکاس می‌دهد. در میان قربانیان شامل آن گزارش، نام افرادی نسبتاً صاحب نام و منصب‌دار نیز دیده می‌شد، از جمله شکرالله، فرمانده پولیس محلی پیشین در ننگرهار و قاری قدیر، آمر امنیت پیشین ولسوالی خلم که هردو در ماه اسد سال جاری کشته شدند. نام خان‌محمد، دگروال پیشین امنیت ملی نیز در آن گزارش ثبت است که او را با شکنجه کشته بودند.

با آن که روند شکنجه و قتل نظامیان سابق از زمان برگشت طالبان به امارت متوقف نشده، ولی در روزهای اخیر تعداد این خبرها به‌صورت نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. با نگاه به گزارش‌های چند روز گذشته، دیده می‌شود که هر روز خبرهایی از بازداشت و قتل نظامیان سابق نشر می‌شود. روز شنبه هفته جاری (۲۰ حوت)

جسد انعام‌الحق، باشنده مرکز ولایت کنر، در روستای «دم» اسعدآباد پیدا شد. منابع محلی گفته‌اند که آقای انعام‌الحق را با ضرب گلوله کشته و جسدش را به دریا انداخته بودند. براساس خبر دیگری که در وب‌سایت روزنامه اطلاعات روز نشر شده است، روز یک‌شنبه، ۲۱ حوت، سید خداداد، نظامی پیشین را در ساحه «بلخ باستان» از مربوطات ناحیه هشتم شهر مزارشریف، در خانه و پیش چشم اعضای خانواده‌اش تیرباران کرده‌اند. سید خداداد مثل اکثر سربازان سابق، از خانواده کم‌درآمد و کارگر بوده است. او بعد از سقوط دولت، در معدن زغال‌سنگ دره‌صوف بالا کار می‌کرده است.

یک‌روز بعد از آن، دوشنبه ۲۲ حوت، گل‌مت خیل، مدیر اسبق امنیت ملی ولسوالی صبری ولایت خوست، از سوی طالبان بازداشت شده است. براساس خبری که در ۸ صبح نشر شده، آقای گل‌مت خیل پس از سقوط دولت، به ایران پناه برده و به‌تازه‌گی به کشور برگشته بود. چندی قبل، سربازان پناه‌گرفته در ایران از بی‌سرنوشتی اظهار نگرانی کرده و گفته بودند که اگر به کشور برگردند با شکنجه و قتل روبه‌رو می‌شوند. در همان روز (۲۲ حوت) ویس‌الدین، باشنده روستای کاسه‌تراش دره اندراب را طالبان از خانه‌اش بازداشت کرده‌اند. در خبر آمده بود که ویس‌الدین در حکومت پیشین عضو قطعه خاص پولیس بوده است.

طالبان به خانواده‌های قربانیان، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری هیچ‌گونه اطلاعی از علت قتل نظامیان پیشین و دیگر شهروندان گرفتار امارت نمی‌دهند. آنان بدون توضیح به خانه‌ها وارد شده، افرادی را که نشانی کرده‌اند، تیرباران کرده آن‌جا را ترک می‌گویند و یا آنان را به جاهای نامعلوم برده چند روز بعد جسدشان را در رودخانه، کنار جاده یا شیله‌ای می‌اندازند. هیچ مرجعی برای دادخواهی وجود ندارد و وابسته‌گان قربانیان نیز بی‌آنکه به کدام نهاد داخلی یا بین‌المللی شکایت ببرند، تن عزیزان‌شان را به خاک سپرده با هراس به‌خانه بر می‌گردند و چشم‌به‌راه اتفاقات تازه می‌مانند. طالبان نام این سکوت را اطاعت، نظم و امنیت گذاشته‌اند. ظاهراً از این که در برابر ستم‌هایی که بر مردم اعمال می‌کنند، گلوله و فریادی پاسخ نمی‌گیرند، احساس پیروزی می‌کنند و زمین سیاست کشور را نسبتاً هموار و در اختیار می‌بینند؛ اما این سکوت و همواری تا کی ادامه خواهد یافت؟ مردم تا چی زمان برای خوردن دردهای فردی و اجتماعی‌شان، تحمل خواهند داشت؟

روایت پس از آزادی؛ زندان تنها محبوس بودن نیست

آن‌جا من بودم و سه - چهار زجرکشیده دیگر، این‌جا اما منم میان ۳۰ میلیون زندانی دیگر؛ زندانی‌های در بند جبر! این روزها که دیوارها طاقتم را می‌برند، حق دارم که پشت سر بگذارم. صبح، چاشت، عصر، شب هر ساعت تقسیم می‌گیرد و کوچه‌های هرات مرا می‌خوانند. آیا من در کشوری به‌مثابه زندان بزرگ، آزادم؟ راه می‌روم و نگاه می‌کنم.

آوید

زندان تنها محبوس بودن در پشت دیوارهای بلند نیست؛ زندان یعنی جبر. وقتی آدمی اختیاری از خودش ندارد، محبوس است. فرقی ندارد این دیوارها تا چه حدی کوتاه یا بلند باشند. آزادی تنها در بند نبودن نیست. وقتی آدمی نمی‌تواند به میل خودش زنده‌گی کند، آزاد نیست و نخواهد بود. ۱۰ ماه را آن سوی دیوارها گذراندم؛ دیوارهایی که هر روز در چشم‌هایم بیدار بیدار قد می‌کشیدند. زندان بود و من زندانی؛ جبر زنجیر و دست‌وپای من. دست‌وپا بسته، گلو بسته، دهان بسته، چشم‌ها اما باز. چشم داشتم که با عبور از دیوارها از بند خلاص می‌شوم. چشم داشتم اما رویا بود.

آدمی شب‌های هراس و کابوس را با قصه و رویا سر می‌کند؛ قصه و رویای خوش. آن‌جا تنها من زندانی بودم. تنها من در حبس بودم. گمان می‌کردم روز آزادی که برسد، یاد و خاطر زندان گم می‌شود از چشم‌هایم، از یادهایم؛ اما درست روز آزادی از زندان کوچکی به زندان بزرگ‌تری منتقل شدم. آن سوی دیوارها زندان بود و این سوی دیوارها هم زندان است. آن‌جا من بودم و سه - چهار زجرکشیده دیگر؛ این‌جا اما منم میان ۳۰ میلیون زندانی دیگر؛ زندانی‌های در بند جبر! این روزها که دیوارها طاقتم را می‌برند، حق دارم که پشت سر بگذارم. صبح، چاشت، عصر،

شب هر ساعت نفسم می‌گیرد و کوچه‌های هرات مرا می‌خوانند. آیا من در کشوری به‌مثابه زندان بزرگ، آزادم؟ راه می‌روم و نگاه می‌کنم. به جبران روزهای رفته از عمرم در حصار دیوارهای زندان و در سلول چندقدمی، قدم می‌زنم، از آن سوی شهر تا این سوی. نگاه می‌کنم به همه‌جا، به همه‌کس، به رهگذران، به خانه‌ها، به دکان‌ها، قدم می‌زنم. از آن سوی شهر تا این سوی خیابان. نگاه می‌کنم به همه‌جا، به همه‌کس، به رهگذران، به خانه‌ها، به دکان‌ها، به قفل و زنجیر دروازه مکاتب.

می‌خواهم بشمارم قدمت این قفل و زنجیر را، یادم نمی‌آید. در خاطر من نیست که از چندصد روز گذشته است. فقط می‌دانم بیشتر از روزهایی است که محبوس بوده‌ام؛ خیلی بیشتر. قدوقامت دیوارهای مکتب در چشمم فرو می‌رود و حافظه‌ام چنگ می‌اندازد به روزهای گذشته. خیلی سابق، روزهایی که هنوز این شهر کبوتران سفیدش را می‌دید. هنوز قلب شهر با خنده می‌تپید. هنوز وطن جایی بود برای زنده‌گی و هنوز قامت رویاها بلندتر از دیوارها بود. هنوز و هنوز... هنوز زنده‌گی جان داشت. به کجا نگاه کنم که درد نبینم؟! هر چند یک سال پیش مثل حالا، نسل شال‌سپیدان در انتظار پوشاندن سیاهی با سپیدی، موی‌سرشان سپید می‌شد، اما باز بودن دانشگاه‌ها امیدی در دل‌ها نگه داشته بود. درس بود و ما نسل دانشجویی داشتیم. دختران به

دانشگاه می‌رفتند، زنان حق کار داشتند، زنان در رسانه‌ها ظاهر می‌شدند و نیازی نبود صورت‌شان را ببوشانند. مراکز آموزشی باز بود، کتابخانه‌ها باز بود، زن حق داشت کار کند، تحصیل کند، راه برود، نفس بکشد. اکنون بعد از یک سال می‌بینم جامعه کور شده است. در این جامعه دیگر زن نقشی ندارد. از خودم می‌پرسم یک انسان با کدام حق، به خودش حق می‌دهد که حقوق حیاتی و اساسی انسان دیگری را سلب کند؟ می‌گریزم از جواب دادن و از فکر کردن و کاری نتوانستن. می‌گریزم از زندانی به این بزرگی! اما مگر می‌شود؟!

در مرکز شهر هرات، در فاصله میان مستوفیت و چوک سینما و بعد چوک گل‌ها و بعد چوک شهرنو، از همه اقشار جامعه عابر است و شاهد. قدم‌به‌قدم کودکی را می‌بینی که به دست‌وپای آدم می‌چسبد. باید خیلی توان داشته باشی که بتوانی نگاهش کنی. نگاهش که بکنی، از آدم بودن خودت و همه آن‌هایی که در سرنوشت آن کودک نقش دارند، منجز می‌شوی. چطور چشمی می‌تواند پاهای برهنه آن کودکان را در سرمای منفی ۲۵ درجه هرات ببیند و نیارد؟ به دستان کوچکش نگاه می‌کنم که خالی بودنش را به چشمم می‌کشد و لب‌های کبود و ترک‌بسته‌اش هنوز لبخند زدن را به یاد دارد. در هر قدمی که برداری، با یکی از این کودکان سر می‌خوری و تمامی ندارند. هرچه پیشتر بروی، درد بیشتر می‌شود و سلول



رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ به ۱۰۴ بازی افزایش یافت

فیفا رقابت‌های جام جهانی در سال ۲۰۲۶ را از ۸۰ به ۱۰۴ بازی با حضور ۴۸ تیم افزایش داده است.

این تصمیم سه‌شنبه‌شب، ۱۴ مارچ، در نشست شورای فیفا در رواندا تصویب شده است.

براساس این تصمیم، قرار است رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ در امریکا، کانادا و مکزیکو در ۱۲ گروه چهارتیمی برگزار شود.

پیش از این فیفا تصمیم گرفته بود که این رقابت‌ها با حضور ۴۸ تیم در ۱۶ گروه سه‌تیمی برگزار شود.

از زمانی که جام جهانی مردان در سال ۱۹۹۸ سی‌ودو تیمی شد، از هر گروه چهارتیمی، دو تیم برتر به مرحله حذفی راه یافته‌اند.

اما نظر به تصمیم جدید فیفا، قرار است ۴۸ تیم در این رقابت‌ها حضور داشته باشند و هشت تیم برتر رتبه سوم به دو تیم برتر در دور حذفی خواهند پیوست.

زمان برگزاری رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ از سوی فیفا ۱۹ جولای ۲۰۲۶ اعلام شده است.

جام باشگاه‌های جهان در سال ۲۰۲۵ با حضور ۳۲ باشگاه برگزار می‌شود

فیفا اعلام کرده که قرار است در جام باشگاه‌های جهان در سال ۲۰۲۵، ۳۲ تیم در برابر هم رقابت کنند.

این نهاد سه‌شنبه‌شب، ۱۴ مارچ، حضور این ۳۲ باشگاه را در جلسه شورای خود در رواندا تصویب کرده است.

این رقابت‌ها قرار است در هشت گروه چهارتیمی برگزار شود و دو تیم برتر هر گروه به مرحله حذفی راه خواهند یافت.

از مجموع ۳۲ تیم حاضر در این رقابت‌ها، ۱۲ تیم از کشورهای اروپایی از جمله برنده‌گان لیگ قهرمان در سال‌های ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ خواهند بود.

تا کنون حضور چلسی و ریال مادرید به‌عنوان قهرمان‌های دو دور لیگ قهرمانان اروپا قطعی شده است.

هشت تیم باقی‌مانده از اروپا از طریق رده‌بندی فیفا و براساس عمل‌کرد هر تیم در رقابت‌های اروپایی در پنج سال گذشته محاسبه می‌شود.

این برنامه قرار است در سال ۲۰۲۵ اجرا شود، اما در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ مثل گذشته هفت تیم در این رقابت‌ها حضور خواهند داشت.

و برای عنوان قهرمانی رقابت خواهند کرد. رقابت‌های جام باشگاه‌های جهان از سال ۲۰۰۰ به این سو، هم‌ساله برگزار می‌شود.

خوان هفتم و آنگاه...



پرتو نادری

هیجان‌انگیز شاهنامه را در ذهن خواننده تداعی می‌کند؛ جهان‌پهلوان رستم را می‌بینیم که به جنگ دیو سپید می‌رود و هفت خون را پشت سر می‌گذارد. ستیز او را می‌بینیم، نه تنها با آدم‌ها، بلکه با نیروهای جادویی، با اژدها که نمادی از شر و بدی است.

در این شعر از آغاز تا پایان این نمادهایند که راه می‌زنند و در برابر هم قرار می‌گیرند. «سپیده، پیر روشنی فروش دوره‌گرد» خود نماد پیچیده‌ای است که با آی‌آی روشنی از کوچه‌های خاوران گذر می‌کند. همه چیز زیبا است، زنده‌گی دل‌پذیر و قشنگ است که ناگهان «انار سرخ ماه» از «چرخ گوشت‌سای ابرها» می‌گذرد و خواننده با نماد پیچیده دیگری در شعر روبه‌رو می‌شود.

که ناگهان انار سرخ ماه
ز «چرخ گوشت‌سای» ابرها گذشت
ز تازیه‌های تگرگ

و در سقوط خوشه‌های واژه‌گان رویش گیاه و برگ
چراغ آرزوی بارور شدن
به چشم نخل‌های پیر تیرخورده تیره شد

تازیه‌های تگرگ امید رویش و بارور شدن را در ذهن گیاهان و درختان پیر تیرخورده خاموش می‌سازد؛ یعنی همه جامعه قربانی شده‌اند، از پیر تا جوان و کودک.

بعد «چریک آفتاب» را می‌بینیم که به آوردگاه می‌آید و بر «یاغیان تندر و تگرگ» هزاران نیزه آتشین می‌افکند. آن‌ها را از پای درمی‌آورد و راهی جز فرار برای‌شان نمی‌ماند.

آنگاه خورشید بار دیگر بر همه‌چیز چیره می‌شود. این امر خود پیروزی پیر روشنی فروش دوره‌گرد است. پیروزی حقیقت است بر دروغ، پیروزی داد است بر بیداد، نقطه پایان یک مصیبت بزرگ اجتماعی است.

چریک آفتاب

- سپهد ستر سینه‌ی سپهر -

که در کمین ستاده بود

به سوی یاغیان تندر و تگرگ

هزار عمود آتشین فگند

انار سرخ ماه یک ترکیب تصویری است که می‌توان آن را دو گونه تعبیر کرد. نخست این که ماه تشبیهی است به انار سرخ که بحث چندانی ندارد؛ اما زمانی که این انار سرخ از چرخ گوشت‌سای ابرها می‌گذرد، همه چیز دگرگونه می‌شود. ترکیب تصویری انار سرخ ماه، بیشتر از این که ذهن خواننده را به سرخی انار بکشاند، او ماهتاب سرخی را در آسمان می‌بیند که خود یک حادثه هراس‌ناک است.

ماهتاب سرخ و خونین ذهن خواننده را از ماهتاب آسمان به ماه تقویمی می‌کشاند و می‌رسد به ماه ثور با رویدادهای خونینش. استبداد و تجاوز بیگانه بر همه‌جا سایه می‌اندازد. نخل‌های پیر تیر می‌خورند و چراغ رویش در چشم‌شان تاریک می‌شود.

از یک نقطه‌نظر این شعر مقابله نور و روشنایی است در برابر تاریکی، مقابله نیکی است در برابر بدی، مقابله داد است در برابر بیداد، مقابله صلح است در برابر جنگ و در نهایت مقابله اهورا است در برابر اهرمن.

در این شعر حرکت انسان‌ها را نمی‌بینیم. انسان‌ها در نمادها استحاله یافته‌اند و با استحاله نمادها است که حرکت انسان‌ها و جامعه را در شعر می‌بینیم!

در داستان هفت خون رستم، هم با نمادها روبه‌رو هستیم و هم با انسان‌ها.

رستم رخس را برای مبارزه و درهم‌کوبی دیو سپید زین زده است. شش خون یا شش نبرد بزرگ را پشت سر می‌گذارد. این شش خون دام‌ها و بندهایی‌اند که

دیو سپید بر سر راه او چیده است.

رستم به خوان هفتم می‌رسد، به آن غار تاریک که فرمانگاه دیو سپید است. دیو سپید خلاف نامش نماد تاریکی و بیداد است. دیو سپید تاریکی شب را دوست دارد. زنده‌گی و تلاش او با تاریکی آغاز می‌شود. چون خورشید سر از افق بیرون می‌کند، او در غار مخوف خود به خواب می‌رود و دیوان دیگر از او پاس‌داری می‌کنند.

رستم باید به او برسد تا کاووس و لشکریانش را که در مازندران در بند دیوان افتاده‌اند، از بند آزادشان کند. کاووس و لشکریان او به وسیله دیو سپید جادو شده و همه‌گان نیروی بینایی خود را از دست داده‌اند. آنان به بینایی نخواهند رسید، مگر این که قطره‌های خون جگر دیو سپید در چشمان‌شان چکانده شود.

دیو سپید بینایی را می‌گیرد و گرفتن بینایی همان ایجاد تاریکی است و تاریکی بیداد است. او بینایی را از مردم می‌گیرد؛ اما قطره‌های خون جگر او بینایی به بار می‌آورد. این قطره‌های خون جگر او باید در چشم آنانی که جادو شده‌اند، انداخته شود.

این نکته خیلی باریک است؛ یعنی نظام‌های استبدادی یا حاکمان مستبد و خودکامه تا بر آریکه‌اند، می‌خواهند بر چشم و گوش مردم مَهْر زنند، اما فروپاشی چنین نظام‌هایی و مرگ چنین مستبدانی خود بینایی و به‌زیستی را برای مردم به بار می‌آورد.

رستم در آن غار تاریک دیو سپید را از پای درمی‌آورد. سینه او را می‌برد، جگرش را بیرون می‌آورد و با قطره‌های خون جگر او چشم جادوشده‌گان را بینا می‌سازد.

پیر روشنی فروش دوره‌گرد در بند پنجم شعر با چهره خندان و پیرومند روی دستان کودکان که نماد آینده و زنده‌گی‌اند، دو خوشه نور می‌گذارد و کودکان هم دو سکه خنده به او می‌دهند؛ یعنی روشنایی خود زنده‌گی است با لبخند و نیک‌بختی!

سپیده پیر روشنی فروش دوره‌گرد

ز کودکان کوچه‌های شهر شرق

دو سکه خنده می‌گرفت

به دست‌شان دو خوشه نور می‌نهاد

در افغانستان دو رویداد خونین به ماه ثور وابسته است؛ یکی همان کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ است که می‌شود آن را سرآغاز بدبختی‌های بزرگ کشور دانست؛ امری که زمینه تجاوز شوروی بر افغانستان را نیز فراهم ساخت. رویداد دیگر رسیدن مجاهدین در ۸ ثور ۱۳۷۱ به کابل است که تا بودند، باهم جنگیدند. ثور در تاریخ افغانستان ماه خونینی است.

واصف در شعر کوتاه «از برزخ تقویم» در برابر این هر دو رویداد می‌ایستد و آن را نکوهش می‌کند که نکوهش تمام پیشوایان این دو رویداد خونین نیز است. این ماه را دیباچه کتاب شقاوت، آتش‌فشان برزخ تقویم و چتری فراز مسند نامرد خوانده است.

اردی‌بهشت ماه که می‌آید

هر قطره خون که در رگ گل‌هاست

یک رودبار دلهره و درد می‌شود

کاین ماه گویا

تا واپسین صحیفه‌ی تاریخ

دیباچه‌ی کتاب شقاوت

آتش‌فشان برزخ تقویم

و چتری فراز مسند نامرد می‌شود

(همان، ص ۲۳۱)

بی‌تردید این کتاب شقاوت در افغانستان هنوز ورق می‌خورد و با هر ورق خوردن، فواره‌های تازه خون است که قامت بلند می‌کند. دیباچه این کتاب خونین شقاوت همین ثور است با شاخ‌های سرخ و سبز. با دریغ نمی‌دانیم که این کتاب خونین تا چه زمانی این‌گونه ورق می‌خورد و در هوا خون پخش می‌کند.

بربنیاد گزارش‌ها، قوه قضایی ایران ۸۰ هزار متهم، از جمله شرکت‌کننده‌گان اعتراضات اخیر در این کشور را عفو کرده است. نیشن گزارش داده که عفو عمومی قوه قضایی ایران روز دوشنبه، ۱۳ مارچ، اعلام شده است. غلام‌حسین اژه‌ای، رئیس قوه قضایی ایران، گفته است که اکثر معترضان عفو شده در زندان نیستند و در انتظار محاکمه یا صدور حکم قرار دارند. گفته می‌شود که این عفو ۲۲ هزار معترضی را که بازداشت شده‌اند، نیز در بر می‌گیرد. گفتنی است که هزاران شهروند ایران در سپتامبر ۲۰۲۲ پس از کشته شدن یک دختر جوان در بازداشت نیروهای گشت ارشاد این کشور، به جاده‌ها ریختند.

پاکستان رکورد مرگومیر ناشی از تروریسم در جنوب آسیا را شکست



جی‌تی‌آی مدعی شده که ارتش آزادی‌بخش بلوچستان مسوول ۳۶ مرگ مرتبط با تروریسم در پاکستان بوده که نسبت به سال پیش، نه برابر حملات این گروه در آن کشور افزایش یافته است.

پاکستان در سال ۲۰۲۲ دومین افزایش مرگومیر ناشی از تروریسم در جنوب آسیا را به ثبت رسانده است.

بربنیاد گزارش سالانه جهانی تروریسم (جی‌تی‌آی) که روز سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، توسط موسسه اقتصاد و صلح مستقر در استرالیا منتشر شده است، ۶۴۳ تن در پی حملات تروریستی در سال ۲۰۲۲ میلادی در پاکستان کشته شده‌اند.

این گزارش نشان می‌دهد که تعداد تلفات در پاکستان بیشترین افزایش سالانه را در دهه گذشته دارد، به طوری که ۵۵ درصد از کل قربانیان مربوط به تروریسم را نظامیان این کشور تشکیل می‌دهند. بر این اساس، پاکستان در جنوب آسیا به دلیل افزایش شدید تلفات، چهار پله صعود کرده و به رتبه ششم در این شاخص رسیده است.

تشدید فعالیت‌های تحریک طالبان پاکستان و گروه داعش، منجر به افزایش مرگومیر در سراسر این کشور شده است.

جی‌تی‌آی مدعی شده که ارتش آزادی‌بخش بلوچستان مسوول ۳۶ مرگ مرتبط با تروریسم در پاکستان بوده که نسبت به سال پیش، نه برابر حملات این گروه در آن کشور افزایش یافته است. پاکستان، آمریکا و بریتانیا، ارتش آزادی‌بخش بلوچستان و TTP را به‌عنوان سازمان‌های تروریستی معرفی کرده‌اند.

جی‌تی‌آی افزوده است که افغانستان برای چهارمین سال متوالی با وجود کاهش ۷۵ درصدی حملات و کاهش ۵۸ درصدی مرگومیر ناشی از آن در سال ۲۰۲۲، برای چهارمین سال متوالی تحت تاثیر تروریسم باقی مانده است.

در این گزارش آمده است که از مجموع مرگومیر ناشی از تروریسم در سراسر جهان در سال گذشته میلادی، حدود نه درصد در افغانستان رخ داده است که نسبت به سال گذشته ۲۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

با این حال، بورکینافاسو با افزایش مرگومیر ناشی از تروریسم، در سال ۲۰۲۲ بیشترین آمار را در سراسر جهان داشته است.

مارک زاکربرگ ۱۰ هزار کارمندش را از شرکت متا اخراج می‌کند

مارک زاکربرگ ۱۰ هزار کارمندش را از شرکت متا اخراج می‌کند. مدیر عامل شرکت متا که مالک فیسبوک، واتساپ و اینستاگرام هست، اعلام کرده که قرار است ۱۰ هزار کارمندش را از شرکت اخراج کند. این خبر روز سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، از طریق وبسایت شرکت «متا» به نقل از زاکربرگ نشر شده است. او افزود که بیشتر کاهش‌های جدید در دو ماه آینده اعلام می‌شود، اگرچه در برخی موارد این کاهش‌ها تا پایان سال ادامه خواهد داشت.

مارک تصریح کرده است: «من فکر می‌کنم ما باید خودمان را برای این احتمال آماده کنیم که این واقعیت جدید اقتصادی برای سالیان متمادی ادامه پیدا می‌کند.»

این خبر با واکنش مثبت سرمایه‌گذاران روبه‌رو شده و سهام متا ۶ درصد افزایش یافته است.

این دومین اخراج گسترده کارمندان شرکت در سال جاری است. در پاییز سال گذشته نیز متا ۱۱ هزار کارمندش را اخراج کرد. گفتنی است که با کاهش‌های شغلی جدید، احتمال می‌رود هزینه‌های شرکت متا در سال جاری، که قبلاً بین ۹۵ تا ۸۹ میلیارد پیش‌بینی شده بود، تا بین ۸۶ الی ۹۲ میلیارد دالر برسد.



رونمایی از طرح ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای استرالیا

بربنیاد این طرح، برنامه ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای استرالیا تا سال ۲۰۵۵ حدود ۲۴۵ میلیارد دالر هزینه خواهد داشت.

آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا، گفته است که تا چهار سال دیگر کشورش ۴ میلیارد دالر را برای توسعه پایگاه زیردریایی اصلی و کارخانه‌های ساخت زیردریایی و همچنان آموزش کارگران ماهر هزینه خواهد کرد.

موسسه سیاست استراتژیک استرالیا اخیراً سرمایه‌گذاری‌های این کشور در عرصه ساخت زیردریایی را چشم‌گیر دانسته است.

آمریکا، بریتانیا و استرالیا از طرح سه‌جانبه ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای برای مقابله با تهدیدهای چین، رونمایی کردند.

رویتز گزارش داده که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، روز سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، در سن‌دیگو این کشور میزبان ریشی سوناک، نخست‌وزیر بریتانیا و آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا، بود.

در این دیدار، جزئیات طرح ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای برای مقابله با تهدیدهای چین در اقیانوس‌های هند و آرام اعلام شد.



چهارشنبه‌سوری در ایران؛

۱۹ تن جان باخته و بیش از دو هزار تن دیگر زخمی شده‌اند



نشان می‌دهد که، شهروندان ایران در «چهارشنبه‌سوری» امسال علاوه بر جشن و برافروختن آتش علیه حکومت این کشور نیز شعار می‌دهند.

براساس ویدیوهایی که در شامگاه سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، منتشر شده، شماری از شهروندان این کشور هم‌زمان با برگزاری گردهمایی‌ها در محله‌های مختلف، شعارهایی از جمله «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر بسیجی»، «مرگ بر سپاهی»، «آزادی آزادی آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» و «فقر فساد گرونی، می‌ریم تا سرنوشتی» را در شهرهای مختلف ایران سر داده می‌شود.

این شعارها در ادامه اعتراضات سراسری ایران در پیوند به قتل مهسا امینی سر داده می‌شود. در «جشن چهارشنبه‌سوری» که در آخرین شب چهارشنبه سال، همه‌ساله در ایران برگزار می‌شود، مردم به آتش‌بازی می‌پردازند و هر سال از ایرانیان قربانی گرفته است.

سازمان اورژانس ایران از زخمی شدن ۲ هزار و ۵۶۲ تن و جان باختن دست‌کم ۱۹ تن در پی حوادث چهارشنبه‌سوری امسال در این کشور خبر داد.

میعادفر، رئیس سازمان اورژانس ایران، به خبرگزاری تسنیم گفته است که این تعداد افراد از صبح روز سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، تا حوالی ساعت ۱۱:۳۰ سه‌شنبه‌شب به وقت محلی در پی آتش‌بازی‌ها کشته و زخمی شده‌اند.

به گفته او، شهرهای تهران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بیشترین تعداد تلفات را داشته‌اند.

همچنان در پی این آتش‌بازی‌ها تاکنون اعضای بدن ۱۶۲ تن قطع شده و ۵۹۴ تن دیگر دچار سوخته‌گی شده‌اند.

میعادفر افزوده که ۱۱ تن از زخمیان این رویدادها نیز در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها قرار دارند.

مقام‌های ایرانی اضافه کرده‌اند که احتمال افزایش آمار تلفات نیز وجود دارد.

از سوی دیگر، گزارش‌های تصویری از شهرهای ایران

خلیل زاد:

بازداشت عمران خان بحران سه‌بعدی پاکستان را عمیق‌تر خواهد کرد

نماینده پیشین وزارت خارجه آمریکا برای صلح افغانستان گفته است که در صورت بازداشت شدن عمران خان، بحران در پاکستان عمیق‌تر خواهد شد. زلمی خلیل‌زاد، نماینده پیشین وزارت خارجه آمریکا برای صلح افغانستان، روز سه‌شنبه، ۱۴ مارچ، در توییتی نوشته است که پاکستان با بحران سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و امنیتی مواجه است.

به باور وی، «هم‌دیگرزنی» رهبران این کشور از طریق زندان، اعدام و ترور، مسیری اشتباه است.

خلیل‌زاد افزوده است که بازداشت عمران خان، نخست‌وزیر عزل‌شده پاکستان، بحران در این کشور را عمیق‌تر خواهد کرد.

نماینده پیشین وزارت خارجه آمریکا برای صلح افغانستان علاوه کرده است که دولت پاکستان برای جلوگیری از فروپاشی، تاریخی را برای انتخابات ملی در اوایل ماه جون سال روان میلادی باید تعیین کند.

به گفته او، هر حزبی که برنده شد، به نماینده‌گی از مردم کارهای لازم را انجام دهد.

گفته‌های خلیل‌زاد در حالی بیان می‌شود که عمران خان در یک نوار تصویری گفته است که نیروهای امنیتی ویژه پاکستان قصد دارند او را بازداشت کنند.

او از هوادارانش خواسته است که به خیابان‌ها بیایند و ثابت کنند که تصمیم دولت بر سر کار پاکستان برای بازداشت او «نادرست» است.

این در حالی است که در ماه‌های اخیر وضعیت سیاسی و اقتصادی پاکستان وخیم شده است.